مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی

۱۰

نگاهی به حدیث ثقلین

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی به حدیث ثقلین

نویسنده:

آیت الله علی حسینی میلانی

ناشر چاپی:

مرکزالحقایق الاسلامیه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نگاهی به حدیث ثقلین

مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی میلانی، علی ۱۳۲۶ -

عنوان قراردادی : محاضرات فی الاعتقادات .فارسی . برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : نگاهی به حدیث ثقلین / علی حسینی میلانی ؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه مرکز حقایق اسلامی .

مشخصات نشر : قم : حقایق ، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۸۰ص.

فروست : سلسله پژوهش های اعتقادی ؛ ۱۰

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۰۱-۹۵-۳

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتاب حاضر ترجمه بخش " حدیث الثقلین " از کتاب " محاضرات فی الاعتقادات " اثر علی الحسینی المیلانی است .

موضوع : شیعه امامیه -- عقاید

موضوع : احادیث خاص (ثقلین)

شناسه افزوده : مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره : BP۲۱۱/۵/ح۵۷م۳۰۴۲۱۷ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۱۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۱۲۱۶۵

ص: ۱

اشاره

مقدمه

سرآغاز

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

سرآغاز

... آخرین و کامل ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلّی اللّه علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوّت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکّه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلّی اللّه علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منّان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلّی اللّه علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دینِ مورد

ص: ۷

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپاییـد که برخی اطرافیان پیامبر صلّی اللّه علیه وآله، _ با توطئه هایی از پیش مهیّا شده _ مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلّی اللّه علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیّر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس های شیطانی، حقایق اسلام را _ که همچون آفتاب جهان تاب بود _ پشت ابرهای سیاه شکّ و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه ها، حقایق اسلام و سخنان دُرَرْبار پیامبر خدا صلّی اللّه علیه وآله، توسّط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی ها، شبهه ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سیّد مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علاّمه حلّی، قاضی نوراللّه، میر حامد حسین، سیّد شرف الدین، امینی و . . . همچون ستارگانی پرفروز می درخشد; چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

واقعیّات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته اند . . .

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رَسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت اللّه سیّد علی حسینی میلانی، می باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقّق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّمٌ له، آن ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّمٌ له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّه اللّه الأعظم، حضرت ولیّ عصر، امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه الشریف قرار گیرد. مرکز حقایق اسلامی

پیش گفتار

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

الحمد للّه ربّ العالمین، والصّلاه والسّلام علی سیّدنا ونبیّنا محمّد وآله الطیّبین الطّاهرین، ولعنه اللّه علی أعدائهم أجمعین من الأوّلین والآخرین. پیش گفتار

یکی از احادیث معروفی که شیعه و سنّی نقل کرده اند «حدیث ثقلین» است. این حدیث در منابع بسیاری نقل شده است.

تِرمذی در کتاب صحیح به سند خود، از جابر بن عبداللّه انصاری این گونه نقل می کند: رسول خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

یا أَیُّهَا النَّاسُ! إنّی تَرَکْتُ فِیکُمْ ما إنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا: کِتابَ اللّهِ وَعِتْرَتِی أهْلَ بَیْتِی.(۱)

ای مردم! من در میان شما چیزی گذاشتم که اگر بدان تمسّک

۱- صحیح تِرمذی: ۶ / ۱۲۴، حدیث ۳۷۸۶.

کنید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم که خاندان من هستند.

همچنین تِرمذی در صحیح خود با سند دیگری از زید بن ارقم نقل می کند که رسول خدا صلّی اللّه علیه وآله فرمود:

إنّی تارِکٌ فِیکُمْ ما إنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدی، أَحَدُهُما أَعْظَمُ مِنَ الآخَرِ: کِتابَ اللّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّماءِ إلَی الأرْضِ، وَعِتْرَتِی أهْلُ بَیْتِی، وَلَنْ یَفْتَرِقَا حَتّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ، فَانْظُرُوا کَیْفَ تَخْلُفُونی فِیهِما.(۱)

به راستی که من در میان شما چیزی را به جا می گذارم که اگر بدان چنگ بزنید هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد. یکی از آن دو از دیگری باعظمت تر است: کتاب خدا که ریسمانی آویخته از آسمان به زمین است، و عترت و خاندان من، و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. پس دقّت نمایید که بعد از من در حقّ آن دو چگونه رفتار خواهید داشت.

این دو روایت در زمره روایاتی است که از دو صحابی

۱- صحیح تِرمذی: ۶ / ۱۲۵، حدیث ۳۷۸۸.

پیامبر خدا صلّی اللّه علیه وآله در کتاب صحیح ترمِذی نقل شده است.

به راستی اگر به این حدیث شریف عمل می شد و با مصادیق صحیحش تطبیق می گردید، هرگز چنین اختلافی بین اُمّت اسلام واقع نمی شد.

آری فراخوانی و دعوت به وحدت اسلامی و کنار گذاشتن اختلافات موجود میان فرقه های اسلامی، از اموری است که مورد اهتمام اندیشمندان اصلاح گر مسلمان قرار گرفته است.

در این راستا آنان برای دست یابی به این هدف، راه ها، پیشنهادها و نظریه هایی ارائه کرده اند; ولی حدیث شریف ثقلین بهترین وسیله برای اتّفاق و گرد هم آمدن مسلمانان می باشد; چرا که این حدیث از طرفی مورد پذیرش همه فرقه های اسلامی است; و از طرف دیگر مدلول و معنای آن واضح و روشن است.

این کتاب پژوهشی در این زمینه است که در چهار بخش به بررسی و تحقیق این حدیث شریف پرداخته است:

۱. پژوهشی در واژگان حدیث;

۲. نگاهی به راویان حدیث;

۳. بررسی دلالت های حدیث;

۴. بررسی اشکال ها و ایرادهای واهی.

بخش یکم: پژوهشی در واژگان حدیث ثقلین

واژه «ثقل» از نظر لغوی

بخش یکم

پژوهشی در واژگان حدیث ثقلین واژه «ثقل» از نظر لغوی

این حدیث شریف، به «حدیث ثَقَلیْن» مشهور است. واژه ثَقَلَیْن تثنیه «ثَقَل» است، و کلمه ثَقَل در لغت به معنای متاعی است که مسافر با خود حمل می کند.

البتّه عدّه ای از محدّثان و لغویان، این کلمه را «ثِقْلَیْن» ــ یعنی به کسر ثاء و سکون قاف ــ قرائت کرده اند، که در این صورت تثنیه «ثِقْل» خواهد بود، و ثِقْل در لغت به معنای بار سنگین و گنج آمده است.

ولی به نظر می رسد کلمه «ثقلین» در این حدیث شریف، به فتح ثاء و قاف باشد.

فیروزآبادی در کتاب القاموس المحیط می نویسد:

ثَقَل (به حرکت قاف) به معنای متاع و کالای مسافر و نیز هر چیز نفیسی را که پنهان و محفوظش می دارند می باشد; و حدیثی که از پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله نقل شده است که فرمود: «إِنِّی تارِکٌ فِیْکُمُ

الثَّقَلَیْنِ: کِتابَ اللّهِ وَعِتْرَتِی» از همین لغت است.(۱)

این که ما ضبط نخست را بر ضبط دوم ترجیح دادیم به این جهت است که تناسب ضبط نخست (ثَقَلَیْن) با موقعیّتی که این حدیث شریف از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله صادر گردیده بیشتر است; چرا که مسافری که از شهری به شهر دیگری کوچ می کند ــ به خصوص که هرگز قصد بازگشت به آن شهر را نداشته باشد ــ اسباب و اثاثیه زندگی خود را می برد، و از آن جا که حمل و نقل در آن زمان به سختی و مشقّت انجام می گرفت و انسان نمی توانست تمام لوازم و اثاثیه زندگی را از جایی به جایی ببرد، ناگزیر در هنگام کوچ، به برداشتن گران بهاترین و نفیس ترین دارایی خود اکتفا می کرد.

رسول خدا صلی اللّه علیه وآله در حدیث ثقلین می فرماید:

إنّی قد دعیت فأجبت.

به راستی که من فرا خوانده شده ام و به این فراخوانی پاسخ گفته ام.

در نقل دیگری آمده است که فرمود:

یوشک أن اُدعی فاُجیب.

نزدیک است که فرا خوانده شده و به آن پاسخ مثبت دهم.

۱- القاموس المحیط: ۳ / ۴۶۸، ماده «ثقل».

آن حضرت با این سخنان، از نزدیکی رحلت جانگدازش خبر می دهد; از این رو فرمود:

وإنّی تاركٌ.

همانا باقی گذاردم.

آری، قرار گرفتن آن حضرت در موقعیّت سفر آخرت، اقتضا می کند که عزیزترین و گران بهاترین اشیای خود را که قرآن و عترت است با خود ببرد; ولی به مقتضای رأفت و لطفی که بر امّت دارد، و از آن جایی که بر ماندگاری این دین حرص میورزد، این گران بهاترین اشیای خود را که در طول حیات پربرکتش، نهایت اعتنا و توجّه به آن ها داشت، در بین امّت باقی گذاشت. بنا بر این آن چه را که به جهت مسافرت باید از این دار فانی با خود ببرد، به جهت رأفت و محبّت بی دریغی که به امّت دارد در بین آن ها باقی گذارده و می فرماید:

إنّی تارك فیكم الثَّقَلَیْن: كتاب اللّه وعترتی أهل بیتی.

من دو چیز گران بها در بین شما می گذارم: كتاب خدا و عترت و خاندانم.

آن گاه حضرتش این گونه توصیه می فرماید:

ما إن تمسّكتم بهما لن تضلّوا.

مادامی که به آن ها تمسّک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

ص: ۲۱

از این رو غرض این است که دو گوهر نفیس و گران بها در میان امّت باقی بماند تا امّت پس از آن حضرت گمراه نشوند.

پس با توجّه به قراین و تناسب های موجود در حدیث واژه «ثَقَلین» بر «ثِقْلَین» ترجیح دارد.

بررسی واژگان دیگر

بررسی واژگان دیگر

همچنان که ملاحظه نمودید، در نقل نخست این گونه آمده است که پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

ما إنْ أَخَذْتُمْ بِهِما لَنْ تضلّوا.

و بنا بر نقل دوم آن حضرت فرمود:

ما إنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لن تضلّوا.

این دو متن در کتاب های دیگری نیز غیر از تِرمذی موجود است.

با توجه به تحقیقی که انجام شده است، عبارت «ما إنْ أَخَذْتُمْ» و یا عبارتی که مشتمل بر واژه «اَخْذ» باشد در مدارک زیر آمده است:

مسند احمد بن حنبل، مسند ابن راهویه، طبقات ابن سعد، صحیح تِرمذی، مسند ابی یَعْلی، المعجم الکبیر طبرانی، مصابیح السنّه بغوی، جامع الاصول ابن اثیر و مصادر دیگر.(1)

۱- مسند احمد: ۳ / ۵۹، مسند ابن راهویه، به نقل از المطالب العالیه ابن حجر عسقلانی: حدیث ۱۸۷۳، الطبقات الکبری: ۲ / ۱۹۴، صحیح تِرمذی: ۶ / ۱۲۴، حدیث ۳۷۸۶، مسند ابی یعلی: ۲ / ۳۷۶، حدیث ۱۱۴۰، المعجم الکبیر: ۳ / ۶۲ و ۶۳، حدیث ۲۶۷۸ و ۲۶۸۰، مصابیح السنّه: ۴ / ۱۸۹، حدیث ۴۸۱۵، جامع الأُصول: ۱ / ۲۷۷، حدیث ۶۵.

و واژه «تمسّک» در مسند عبد بن حمید، تفسیر الدرّ المنثور، الجامع الصغیر و احیاء المَیْت موجود است.(۱)

بـا مراجعه به کتاب های لغت درمی یابیم که منظور از واژه «اَخْـذ» و یا کلمه «تمسّک» در چنین مواردی، تبعیّت و پیروی است. علاوه بر آن کلمه «الإتّباع» نیز که در متن روایات ابن ابی شیبه در کتاب المصنَّف آمده است، به معنای همان «تبعیّت و پیروی» است.(۲)

در ادامه نقـل واژگـان حـدیث ثقلین، بـا نقـل دیگری رو به رو می شویم و آن وجود واژه «الإعتصـام» به جـای واژه «الأخْـذ» و «التمسّك» است. خطیب بغدادی این حدیث را این گونه نقل می کند که پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

إنّی ترکت فیکم ما لن تضلّوا بعدی إن اعتصمتم به: کتاب اللّه وعترتی.(۳)

۱- منتخب مسند عبد بن حمید: ۱۱۴، حدیث ۲۶۵، الدرّ المنثور: ۲ / ۲۸۵، احیاء المیت: ۳۶، حدیث ۷.

۲- المصنّف: ۱۰ / ۵۰۵، حدیث ۱۰۱۲۷.

۳- کنز العمّال: ۱ / ۱۸۷، حدیث ۹۵۱.

من در بین شما چیزی را باقی گذاردم که اگر پس از من به آن تمسّک کردید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و خاندانم.

واژه «اعتصام» در قرآن، حدیث، لغت عربی و استعمالات فصیح همان معنای تمسّک است.(۱)

شاهد بر این که «اعتصام» در قرآن و حدیث به معنای «تمسّک» است، روایتی است که در کتاب های شیعه و سنّی آمده است که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه ای که می فرماید:

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَلاَ تَفَرَّقُوا).(۲)

همگی به ریسمان خدا تمسّک کرده و پراکنده نشوید؛

فرمود:

نَحْنُ حَبْلُ اللّهِ.

ما همان ریسمان خداوند هستیم.

این تفسیر امام صادق علیه السلام در منابع اهل تسنّن؛ از جمله تفسیر ثعلبی و الصواعق المحرقه آمده است(۳) و آن گاه که به التفسیر الکبیر فخر رازی در ذیل این آیه مبارکه، و نیز به تفسیر الخازن و تفاسیر دیگر مراجعه کنیم،

۱- الصحاح: ۴ / ۱۶۰۸، ماده «مسک»، لسان العرب: ۱۰ / ۴۸۸، ماده «مسک».

۲- سوره آل عمران: آیه ۱۰۳.

۳- الصّواعق المحرقه: ۲۳۳، شواهد التنزیل: ۱ / ۱۶۹ و ۱۷۰.

مشاهده خواهیم کرد که آنان در هنگام تفسیر این آیه، حدیث ثقلین را متذکّر می شوند.(۱)

البته حاکم نیشابوری نیز در المستدرک به سندی صحیح همین گونه نقل کرده است.(۲)

بنا بر این، «اعتصام» همان «تمسّک»، و «تمسّک» به معنای «اتّباع و پیروی» است، و با وجوب تبعیّت و پیروی که مفاد «حدیث ثقلین» است، بدون هیچ تأمّل و نزاعی امامت و خلافت ثابت خواهد شد; در نتیجه علی و اهل بیت علیهم السلام خلفای رسول خدا صلی اللّه علیه وآله بعد از آن حضرت می باشند.

نکته ای جالب

نکته ای جالب

نکته جالب این که در بعضی از متون حدیث ثقلین، به جای «ثقلین»، «خلیفتین» آمده است. این واژه «خلیفه»، صریح در مدّعای شیعه امامیّه می باشد. این متن را احمد بن حنبل در مسند، ابن ابی عاصم در کتاب السنّه و طبرانی در المعجم الکبیر آورده اند.(۳)

ص: ۲۵

۱- تفسیر الکبیر: ۸ / ۱۷۳، تفسیر الخازن: ۱ / ۲۷۷.

۲- المستدرک: ۳ / ۱۱۰.

۳- مسند احمد: ۵ / ۱۸۱، حدیث ۲۱۰۶۸ و ص ۱۸۹، حدیث ۲۱۱۴۵، کتاب السنّه: ۳۳۶، حدیث ۷۵۴، المعجم الکبیر: ۵ / ۵۳.

حافظ هیثمی، بعد از نقل این حدیث از کتاب المعجم الکبیر طبرانی می گوید: همه رجال سند آن مورد وثوق و اعتماد هستند و جلال الدّین سیوطی نیز پس از نقل روایت، به صحّت سند آن تصریح می نماید.(۱)

نکته لطیف تر این که: عبدالرؤوف مَناوی مصری، در کتاب فیض القدیر فی شرح الجامع الصّغیر، در شرح کلمه «عِتْرَتی» می گوید:

«عترت رسول خدا صلی اللّه علیه وآله همان اصحاب کسائی هستند که خداوند متعال هر گونه پلیدی را از آن ها دور کرده و آنان را به طور کامل پاک فرموده است».(۲)

ملاحظه می فرمایید که نتیجه الفاظ مختلف حدیث ثقلین، تعیین امام و خلیفه بعد از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله و بیان گر منصب خلافت و امامت خواهد بود.

نتیجه بحث

نتیجه بحث

نتیجه سخن این که حدیث ثقلین گرچه به متن های گوناگون نقل شده است; ولی تمامیِ آن ها مفید یک معنا بوده و آن «امامت و خلافت» است; و در بین این متون، دلالت کلمه «خلیفتین» از همه صریح تر است

ص: ۲۶

۱- مجمع الزوائد: ۹ / ۱۶۵، الجامع الصغیر: ۱ / ۴۰۲، حدیث ۲۶۳.

۲- فیض القدیر: ۳ / ۱۴، شرح حدیث ۲۶۳۱.

که هیچ اختلافی در این مورد نیست.

به راستی چه متنی در دلالت بر امامت و خلافت از این متن صریح تر است، آن جا که پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

إنّی تارک فیکم خلیفتین]الخلیفتین[: کتاب اللّه وعترتی. ما إن تمسّکتم بهما لن تضلّوا بعدی.

به راستی که من در بین شما دو جانشین گذاردم: کتاب خدا و خاندانم. مادامی که به آن دو تمسّک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

آری از این جا درمی یابیم که قرآن کریم و روایات صادره از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله چگونه یکدیگر را تصدیق می نمایند. قرآن کریم می فرماید:

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَلاَ تَفَرَّقُوا).(۱)

و همگی به ریسمان خدا تمسّک کنید و پراکنده نشوید.

و رسول خدا صلی اللّه علیه وآله نیز در حدیث ثقلین می فرماید:

إنّی تارک فیکم الثّقلین: کتاب اللّه وعترتی أهل بیتی، ما إن تمسّکتم بهما لن تضلّوا بعدی أبداً.

من دو چیز گران بها در بین شما می گذارم: کتاب خدا و عترت

۱- سوره آل عمران: آیه ۱۰۳.

و خاندانم. مادامی که به آن ها تمسّک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

آن چه را که قرآن کریم به عنوان «حبل اللّه» به تمسّک به آن امر می فرمایـد، رسول خدا صـلی اللّه علیه وآله به عنوان «عِترتی أهل بیتی» به تمسّک به آن دستور می دهد.

ص: ۲۸

بخش دوم: نگاهی به راویان حدیث ثقلین

راویان حدیث ثقلین

بخش دوم

نگاهی به راویان حدیث ثقلین

راویان حدیث ثقلین

حدیث معروف و مشهور ثقلین، توسط راویان بسیاری نقل شده است. در میان اصحاب رسول خدا صلی اللّه علیه وآله، بیش از سی نفر حدیث ثقلین را از آن حضرت نقل کرده اند که ما عدّه ای از آن ها را نام می بریم:

۱ _ امیرالمؤمنین علیه السلام;

۲ _ امام حسن مجتبی سبط اکبر علیه السلام;

۳ _ سلمان فارسی;

۴ _ ابوذر غفاری;

۵ _ جابر بن عبداللّه انصاری;

۶ _ ابوالهیثم بن تیهان;

۷ _ حذیفه بن الیمان;

۸ _ ابوشرحه _ یا ابو سریحه _ حذیفه بن اُسَیْد;

۹ _ ابوسعید خُدْری;

۱۰ _ خزیمه بن ثابت;

۱۱ _ زید بن ثابت;

۱۲ _ عبدالرّحمان بن عوف;

۱۳ _ طلحه;

۱۴ _ ابوهریره;

۱۵ _ سعد بن ابی وقّاص;

۱۶ _ ابوایّوب انصاری;

۱۷ _ عمرو بن عاص;

۱۸ _ فاطمه زهرا علیها السلام، پاره تن رسول خدا صلی اللّه علیه وآله;

۱۹ _ امّ سَلَمه، امّ المؤمنین;

۲۰ _ امّ هانی، خواهر امیرالمؤمنین علیه السلام.

حدیث ثقلین به روایت پیشوایان مشهور اهل تسنّن

حدیث ثقلین به روایت پیشوایان مشهور اهل تسنّن

البتّه در طول قرون متمادی، صدها نفر از مشاهیر، مفسّران، محدّثان، مورّخان و راوی شناسان اهل تسنّن، حدیث ثقلین را به اسانید خود از اصحاب رسول خدا صلی اللّه علیه وآله نقل کرده اند که به نام پنجاه نفر از آنان اکتفا می شود:

۱ _ سعید بن مسروق ثوری;

۲ ـ سليمان بن مهران اعمش؛

۳ ـ محمّد بن اسحاق، نويسنده سيره؛

۴ ـ محمّد بن سعد، نويسنده الطبقات الكبرى؛

۵ ـ ابوبكر ابن ابى شيبه، نويسنده المصنَّف؛

۶ ـ ابن راهويه، نويسنده المسند؛

۷ ـ احمد بن حنبل (پيشواى حنابله) نگارنده المسند؛

۸ ـ عبد بن حُميد، نگارنده المسند؛

۹ ـ مسلم بن حَجّاج قُشيرى، نگارنده الصحيح؛

۱۰ ـ ابن ماجه قزوينى، نگارنده سنن المصطفى، يكى از صحاح ششگانه؛

۱۱ ـ ابوداوود سجستانى، نگارنده السّنن، يكى از صحاح ششگانه؛

۱۲ ـ تِرمذى، نگارنده الصحيح؛

۱۳ ـ ابن ابى عاصم، نگارنده كتاب السّنّه؛

۱۴ ـ ابوبكر بزّار، نگارنده المسند؛

۱۵ ـ نَسائى، نگارنده السنن؛

۱۶ ـ ابويعلى موصلى، نگارنده المسند؛

۱۷ ـ محمّد بن جرير طبرى، نويسنده تاريخ و تفسير؛

۱۸ ـ ابوالقاسم طبرانى، نويسنده المعجم الكبير، المعجم الأوسط

ص: ۳۳

و المعجم الصغیر;

۱۹ ــ ابوالحسن دارقُطْنی بغدادی، پیشوای معروف;

۲۰ ــ حاکم نیشابوری، نگارنده المستدرك;

۲۱ ــ ابو نعیم اصفهانی، نویسنده کتاب های معروف;

۲۲ ــ ابوبکر بیهقی، نگارنده السنن الکبری;

۲۳ ــ ابن عبدالبرّ، نگارنده الاستیعاب;

۲۴ ــ خطیب بغدادی، نگارنده تاریخ بغداد;

۲۵ ــ بغوی، نویسنده مصابیح السنّه;

۲۶ ــ رزین عبدری، نویسنده الجمع بین الصحاح الستّه;

۲۷ ــ قاضی عیاض، نویسنده الشفاء;

۲۸ ــ ابن عساکر دمشقی، نویسنده تاریخ مدینه دمشق;

۲۹ ــ ابن اثیر جَزَری، نویسنده اُسد الغابه;

۳۰ ــ فخر رازی، نویسنده التفسیر الکبیر;

۳۱ ــ ضیاء مَقْدِسی، نویسنده المختاره;

۳۲ ــ ابو زکریّا نَوَوی، شارح صحیح مسلم;

۳۳ ــ ابوالحَجّاج مِزّی، نگارنده تهذیب الکمال;

۳۴ ــ شمس الدّین ذهبی، نگارنده کتاب های معروف;

۳۵ ــ ابن کثیر دمشقی، نگارنده تفسیر و تاریخ;

ص: ۳۴

۳۶ _ نورالدّین هیثمی، نگارنده مجمع الزوائد;

۳۷ _ جلال الدّین سیوطی، نگارنده کتاب های معروف;

۳۸ _ شهاب الدّین قسطلانی، شارح صحیح بُخاری;

۳۹ _ شمس الدّین صالحی دمشقی، شاگرد جلال الدّین سیوطی، نویسنده سبل الهُدی والرشاد;

۴۰ _ ابن حجر عسقلانی، نگارنده کتاب های معروف و معتبر نزد عامّه;

۴۱ _ شمس الدّین ابن طولون دمشقی;

۴۲ _ شهاب الدّین ابن حجر مکّی، نویسنده الصواعق المحرقه;

۴۳ _ متّقی هندی، نگارنده کنز العمّال;

۴۴ _ ملاّ علی قاری هروی، نویسنده مرقاه المفاتیح فی شرح مشکاه المصابیح;

۴۵ _ عبدالرؤوف مَناوی، نویسنده فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر;

۴۶ _ حلبی، نویسنده السیره الحلبیّه;

۴۷ _ زینی دَحْلان، نگارنده السیره الدحلانیّه;

۴۸ _ منصور علی ناصف، نگارنده التاج الجامع للاصول;

۴۹ _ شیخ یوسف نبهانی، نویسنده کتاب های متعدد;

۵۰ _ مبارک پوری هندی، شارح صحیح تِرمذی.

ص: ۳۵

گفتنی است که اینان پنجاه تن از مشاهیر اهل تسنّن بودند که در قرون مختلف و متمادی حدیث ثقلین را روایت کرده اند و این تعداد، حدود ۱۰۱ راویان این حدیث شریف از بزرگان و مشاهیر آن هاست.

بخش سوم: بررسی دلالت های حدیث ثقلین

حدیث ثقلین بیان گر امامت و خلافت

بخش سوم

بررسی دلالت های حدیث ثقلین حدیث ثقلین بیان گر امامت و خلافت

ما پیش تر ــ به طور اجمال ــ متن های مختلف «حدیث ثقلین» را بررسی کردیم و روشن شد که این حدیث شریف، بیان گر خلافت و امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام است. همچنین بیان شد که این حدیث شریف به جهت وجود واژه «خلیفتین»، به امامت و خلافت تصریح دارد.

کیفیّت دلالت واژگانی مانند: «الأخذ»، «التمسّک»، «الاعتصام» و مواردی از این قبیل بدین گونه است:

چون این الفاظ دلالت بر وجوب تبعیّت، پیروی و اطاعت مطلق و بدون قید و شرط می نمایند، ناگزیر مفاد حدیث به دلالت التزامی بیان گر امامت و خلافت خواهد بود; زیرا شکّی نیست که بین اطاعت مطلق و امامت و خلافت، تلازم و همبستگی تامّ و غیر قابل انکار وجود دارد.

ص: ۳۹

برای تثبیت آن چه بیان شد، می توان به بیانات شارحان «حدیث ثقلین»، از بزرگان و مشاهیر اهل تسنّن مراجعه نمود; افرادی همچون: مَنّاوی در فیض القدیر فی شرح جامع الصغیر، ملاّ علی قاری در المرقاه فی شرح المشکاه، و قاضی عیاض در نسیم الریاض و کتاب هایی همچون: شرح المواهب اللَّدُنّیه، السراج المنیر فی شرح الجامع الصغیر، الصواعق المحرقه، جواهر العقدین و منابعی دیگر.

گفتنی است که نگارندگان این آثار، پس از شرح حدیث ثقلین تصریح نموده اند که طبق این حدیث پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله مردم را به بهره بردن از هدایت های اهل بیت علیهم السلام، فراگیری از دانش آنان و پیروی از آن ها برانگیخت و به این امور دستور داد.

دیدگاه بزرگان اهل سنّت در دلالت حدیث

دیدگاه بزرگان اهل سنّت در دلالت حدیث

همان گونه که بیان شد، بزرگان اهل تسنّن در کتاب های خود، دلالت حدیث ثقلین را بیان کرده اند. برای نمونه، کلام چند تن از آنان را می آوریم:

مَنّاوی می گوید:

حدیث ثقلین به صراحت و بدون هیچ گونه ابهامی دلالت دارد بر این که قرآن و عترت علیهم السلام به سان دو فرزندی هستند که با یکدیگر زاده شده اند. پیامبر اکرم صلی اللّه علیه وآله آنان را در بین امّت گذاشته و به

آن ها توصیه فرموده که با آن دو به نیکی رفتار نماینـد و حقّ آن دو را بر خودشان مقـدّم کرده و در امور دین شان به آن دو تمسّک جویند.(۱)

ملاّ علی قاری در شرح حدیث شریف چنین می نگارد:

معنای تمسّک به عترت علیهم السلام، همان دوستی آنان و هدایت یافتن به راه، روش و دستورات آنان است.(۲)

زرقانی مالکی (که یکی از محقّقین اهل تسنّن در حدیث است) چنین می گوید:

رسول خدا صلی اللّه علیه وآله در حدیث ثقلین، سفارش و وصیت خود را تأکید و تقویت کرد و فرمود:

فانظروا بمَ تخلفونی فیهما بعد وفاتی؟ هل تتّبعونهما فتسرّونی أو لا، فتسیئونی؟(۳)

ببینیـد پس از من چگونه این دو را پاس می داریـد؟ آیا از آن دو تبعیّت و پیروی می کنیـد و موجبات خشـنودی مرا فراهم می آورید، یا از راه و روش این دو گوهر گران بها روی برتافته و با این عمل مرا اندوهناک می سازید؟

۱- فیض القدیر: ۳ / ۱۵.
۲- مرقاه المفاتیح: ۱۰ / ۵۳۱.
۳- شرح المواهب اللّدُنیّه: ۷ / ۷.

حدیث ثقلین بیان گر اعلمیّت اهل بیت علیهم السلام

حدیث ثقلین بیان گر اعلمیّت اهل بیت علیهم السلام

ابن حجر مکّی پیرامون مفاد «حدیث ثقلین» می نویسد:

رسول خدا صلی اللّه علیه وآله با این فرمایش، امّت را به اقتدا، تمسّک و فراگیری از علم سرشار این دو منبع دانش فرمان می دهند.(۱)

از این رهگذر، یکی از اموری را که حدیث ثقلین افاده می کند، وجوب تعلّم از «عترت» علیهم السلام است; از این رو می توان نتیجه گرفت که حدیث ثقلین، بر اعلمیّت اهل بیت علیهم السلام دلالت می نماید، و اعلمیّت نیز به مورد خاصّی و ظرف مخصوصی مقیّد نیست.

به سخن دیگر: اعلمیّت، اعلمیّت مطلق است و اعلمیّت مطلق، مستلزم افضلیّت و برتری اهل بیت علیهم السلام است; و افضلیّت و برتری، مستلزم امامت آنان خواهد بود; از این رو همه اصحاب پس از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله مأمورند که در مسایل علمی و دینی به خاندان نبوّت علیهم السلام رجوع نمایند; همچنان که مأمور به تبعیّت، پیروی و اطاعت از آنان می باشند.

از سوی دیگر در بعضی از متونی که بزرگان محدّثان عامّه

۱- الصواعق المحرقه: ۲۳۱.

از جمله: طبرانی در المعجم الکبیر،(۱) هیثمی در مجمع الزوائد،(۲) ابن اثیر جَزَری در اُسد الغابه(۳) و ابن حجر مکّی در الصواعق المحرقه(۴) نقل کرده اند، به این موضوع تصریح شده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه وآله پس از آن که فرمود:

إنّی تاركٌ فیکم الثّقلین: کتاب اللّه وعترتی أهل بیتی، ما إن تمسّکتم بهما لن تضلّوا بعدی أبداً.

چنین اضافه کرد:

فلا تقدّموهما فتهلکوا، ولا تقصّروا عنهما فتهلکوا، ولا تعلّموهم فإنّهم أعلم منکم.

بنا بر این بر کتاب و عترت علیهم السلام پیشی نگیرید که هلاك خواهید شد; و در حقّ آن دو کوتاهی نکنید که هلاك خواهید شد; و به عترتم چیزی نیاموزید; زیرا که آنان از شما داناترند.

بنا بر این، آن چه را که نتیجه گرفتیم، مورد تصریح بزرگان اهل سنّت و شارحان حدیث قرار گرفته است. به عنوان نمونه ملّا علی

۱- المعجم الکبیر: ۵ / ۱۶۶ و ۱۶۷.
۲- مجمع الزوائد: ۹ / ۱۶۴.
۳- اسد الغابه: ۲ / ۱۳.
۴- الصواعق المحرقه: ۲۳۰.

قاری در کتاب مرقاه المفاتیح می نویسد:

روشن است که در غالب موارد عرفی، افراد نزدیک تر به صاحب خانه، از حالات و خصوصیّات او بهتر آگاهی دارند تا دیگران; پس منظور از عترت، دانشمندان و عالمان از خاندان نبوّت می باشند که بر راه و روش رسول خدا صلی اللّه علیه وآله اطّلاع کامل دارند، و دانش و حکمت آن بزرگوار نزد آنان می باشد. به همین جهت، آن ها قرین و عِدل کتاب خدای سبحان قرار داده شده اند; همچنان که خداوند متعال می فرماید:

(ویُعَلِّمُهُمُ الکِتَابَ وَالْحِکْمَهَ).(۱)

به آنان کتاب و حکمت را می آموزد.

ابن حجر مکّی نیز در کتاب الصواعق المحرقه، بعد از نقل حدیث ثقلین چنین می گوید:

این فرمایش حضرت که فرموده اند: «فلا تقدّموهم فتهلکوا ولا تقصروا عنهم فتهلکوا ولا تعلّموهم فإنّهم أعلم منکم; از آنان پیشی نگیرید که هلاک خواهید شد; و در حق آنان کوتاهی نکنید که هلاک خواهید شد; و چیزی به آنان نیاموزید; زیرا که آنان از شما داناترند» دلیل

ص: ۴۴

۱- سوره بقره: آیه ۱۲۹، سوره آل عمران: آیه ۱۶۴، سوره جمعه: آیه ۲.

است بر این که در میان خانواده خاصّ رسول خدا صلّی اللّه علیه وآله، هر که اهلیّت و شایستگی مراتب عالی و قدرت تأمین خواسته های دینی مردم را داراست بر دیگری مقدّم است.

نتیجه این که: «حدیث ثقلین» به اعتبار آن فراز که دلالت بر وجوب تعلّم از «عترت» می نماید، بیان گر امامت خاندان نبوّت علیهم السلام و تقدّم آنان بر دیگران است، که این نیز از اموری است که می توان برای اثبات آن به «حدیث ثقلین» تمسّک جست.

حدیث ثقلین بیان گر عصمت اهل بیت علیهم السلام

حدیث ثقلین بیان گر عصمت اهل بیت علیهم السلام

همان طور که پیش تر نیز اشاره شد، رسول خدا صلّی اللّه علیه وآله «عترت» را قرین و همدوش قرآن کریم قرار داده اند که از این رهگذر، این حدیث بر دو نکته اساسی دلالت می کند:

۱ ـ عصمت اهل بیت علیهم السلام;

۲ ـ وجود امامی از اهل بیت علیهم السلام در تمام زمان ها;

به این بیان که آن امام صلاحیّت برای امامت و خلافت و جانشینی رسول خدا صلی اللّه علیه وآله داشته و پیشوا و رهبر مردم باشد، که تمامی افراد امّت، بتوانند در اموری دینی و امور مورد نیاز خود را از او فرا گیرند و تا قرآن باقی و موجود است، ناگزیر چنین امامی از اهل بیت علیهم السلام نیز در کنار قرآن خواهد بود.

البتّه بحث از عصمت، و نیز بحث از امامت سایر ائمّه علیهم السلام ــ غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام ــ و این که باید همراه قرآن امامی باشد که اهلیّت تصدّی منصب رسول خدا صلی اللّه علیه وآله را در میان امّت داشته باشد، هر یک پژوهش جداگانه و مبسوطی را می طلبد.(۱)

اقتران حدیث ثقلین با احادیث دیگر

اقتران حدیث ثقلین با احادیث دیگر

اکنون برای کامل شدن بحث پیرامون «حدیث ثقلین» به مطالبی اشاره می کنیم.

مطلب نخست: «حدیث ثقلین» در موارد زیادی، توأم با احادیثی وارد شده است که آن احادیث به طور جداگانه از نظر سند متواتر بوده و دلالتشان بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار واضح و روشن است; بلکه در بعضی از متون، بر امامت و خلافت بلافصل آن بزرگوار تصریح دارد و ورود «حدیث ثقلین» در ضمن این احادیث ــ به قرینه وحدت سیاق ــ نشان گر این است که مدلول «حدیث ثقلین»، در بیان اثبات امامت و خلافت است، و در جای خود (در مباحث اصول فقه) اثبات گردیده است که وحدت سیاق در صورتی که قرینه قطعی

۱- گفتنی است که این دو عنوان نیز در سلسله پژوهش های اعتقادی، جداگانه از همین نگارنده، نگارش یافته اند.

برخلاف آن نباشد، حجّت بوده و مورد قبول عقلاست.

از موارد اقتران می توان به اقتران این حدیث با حدیث غدیر اشاره کرد که متّقی هندی در کنز العمّال از ابن جریر طبری، ابن ابی عاصم و محاملی(۱) چنین نقل می کند:

رسول خدا صلی اللّه علیه وآله در روز غدیر، در حالی که دست علی علیه السلام در دستش بود فرمود:

أیّها الناس! ألستم تشهدون أنّ اللّه ورسوله أولی بکم من أنفسکم وأنّ اللّه ورسوله مولاکم؟

ای مردم! آیا شما گواهی نمی دهید که به راستی خدا و پیامبرش از شما نسبت به خودتان اولی تر و شایسته تر است و خدا و پیامبرش مولای شماست؟

گفتند: چرا.

فرمود:

فمن کان اللّه ورسوله مولاه فإنّ هذا مولاه، وقد ترکت فیکم ما إن أخذتم بهما لن تضلّوا بعدی: کتاب اللّه وأهل بیتی.(۲)

ص: ۴۷

۱- وی محدّثی بزرگ از محدّثان اهل سنّت است که این حدیث را در کتاب امالی خود صحیح دانسته است.

۲- کنز العمّال: ۱۳ / ۱۴۰، حدیث ۳۶۴۴۱.

پس کسی که خداوند و رسولش مولای او هستند، پس به راستی که این شخص (علی علیه السلام) مولای اوست. همانا من در میان شما دو چیز قرار دادم که اگر پس از من از آن دو پیروی نمایید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و اهل بیتم.

البته اقتران حدیث ثقلین به حدیث غدیر، در مصادر بسیار دیگری نیز آمده است.(۱)

ابن حجر در کتاب الفتاوی الفقهیّه،(۲) سه حدیث ثقلین، غدیر و منزلت را در یک سیاق نقل کرده است که هریک از این سه حدیث شریف به طور جداگانه، دلالت بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام می کند.

وصیّت به قرآن کریم و عترت در موارد مختلف

وصیّت به قرآن کریم و عترت در موارد مختلف

مطلب دوم: رسول خدا صلی اللّه علیه وآله توصیه به قرآن و عترت علیهم السلام را در موارد مختلف و جاهای متفاوت تکرار فرموده اند که به چهار مورد آن اشاره می شود.

مورد نخست: هنگام بازگشت از شهر طائف.

۱- ر.ک المعجم الکبیر: ۵ / ۱۶۶ و ۱۶۷، حدیث ۵۰۷۰، کنز العمّال: ۱۳ / ۱۴۰، به نقل از مسند ابن راهویه، المستدرک: ۳ / ۱۰۹، نوادر الاصول: ۱ / ۲۵۸، الإصابه: ۴ / ۸۰، اُسد الغابه: ۳ / ۲۸، السیره الحلبیّه: ۳ / ۲۷۴.

۲- الفتاوی الفقهیّه: ۲ / ۹۵.

این مورد را ابن ابی شیبه ذکر کرده است و ابن حجر مکّی نیز در کتاب الصواعق المحرقه(۱) از او نقل می کند.

مورد دوم: در حجّه الوداع و به طور مستقل در روز عرفه.

این مورد را متّقی هندی در کنز العمّال(۲) از ابن ابی شیبه نقل می کند. همچنین تِرمذی در صحیح،(۳) طبرانی در کتاب المعجم الکبیر،(۴)ابن اثیر جَزَری در کتاب جامع الاصول(۵) و افراد دیگری آورده اند.

مورد سوم: هنگام بازگشت از حجّه الوداع، در روز غدیر خم و در ضمن خطبه طولانی و مفصّل غدیر.

این مورد را احمد بن حنبل در المسند،(۶) دارمی در السّنن،(۷)بیهقی در السّنن الکبری،(۸)ابن کثیر در البدایه والنّهایه(۹) و دیگران نقل کرده اند.

مورد چهارم: هنگام رحلت جانگدازشان، در حالی که حجره شریف مملوّ از جمعیّت بود.

وقایع مربوط به این مورد را ابن ابی شیبه، بزّار، ابن حجر مکّی و دیگران نقل کرده اند.(۱۰)

۱- الصواعق المحرقه: ۲۳۱.

۲- کنز العمّال: ۱ / ۱۸۸، حدیث ۹۴۴.

۳- صحیح تِرمذی: ۶ / ۱۲۴، حدیث ۳۷۸۶.

۴- المعجم الکبیر: ۳ / ۶۳، حدیث ۲۶۷۹.

۵- جامع الاصول: ۱ / ۲۷۷.

۶- مسند احمد: ۳ / ۱۷.

۷- سنن دارمی: ۲ / ۳۴۲.

۸- السنن الکبری: ۲ / ۱۴۸.

۹- البدایه والنهایه: ۵ / ۲۰۹.

۱۰- سمط النّجوم العوالی: ۳ / ۶۳، حدیث ۱۳۶، به نقل از ابن ابی شیبه، کشف الاستار عن زوائد البزّار: ۳ / ۲۲۱، حدیث ۲۶۱۲، الصّواعق المحرقه: ۸۹.

دعوت به اتّحاد در پرتو تعليمات حديث ثقلين

دعوت به اتّحاد در پرتو تعليمات حديث ثقلين

مطلب سوم: جدّ بزرگوار ما فقيه اهل بيت عليهم السلام، سيّد محمّد هادى ميلانى رحمه اللّه نقل مى فرمودند كه يكى از بزرگان علماى شيعه در نجف اشرف،(۱) براى ايجاد اتّحاد بين فرقه هاى اسلام پيش قدم شدند.

جدّ ما مى فرمود: ما به ايشان و امثال ايشان اصرار داشتيم كه راه درست اتّحاد بين فرقه هاى اسلامى و تقارب بين مذاهب، منحصر در التزام به تبعيّت، پيروى و به كار بستن مفاد «حديث ثقلين» است; زيرا فرض اين است كه اين حديث شريف نزد شيعه و سنّى از نظر صدور

ص: ۵۰

۱- علاّمه شيخ محمّد حسين كاشف الغطاء رحمه اللّه (۱۳۷۳ ه_).

و صحّت مورد اتّفاق است، گرچه قائل به تواتر آن نباشیم، در حالی که این حدیث شریف به یقین متواتر و مورد قبول در نزد طرفین بوده و از نظر دلالت هم هیچ نکته ابهامی در آن نیست.

بنا بر این امری که صدورش از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله قطعی است و دلالتش نیز بر مدّعای یکی از طرفین ــ که شیعه باشد ــ تامّ و بدون ابهام و اشکال است; چنین وجهی جامع و محوری اساسی برای اتّحاد بین فرقه ها کافی است. از این رو چرا آن را رها کرده و به آرا، پیشنهادها و راه های دیگری رو آوریم که نه بهره ای دارند و نه ما را به هدف می رسانند.

جدّ ما رحمه اللّه همواره می فرمودند:

ما بر این معنا اصرار فوق العاده داشتیم و در قبال ما، بزرگواری که رهبری اندیشه تقریب را به عهده داشت، پیشنهاد دیگری را در نظر داشت، تا این که وی برای انجام مقصود خود به دیار اهل خلاف سفر نمود و پس از بازگشت، به طور صریح اعتراف کرد که راه درست اتّحاد بین فرقه های مسلمان فقط همین راه است و برای علاج این مشکل چاره ای جز رجوع به «حدیث ثقلین» و امثال آن نیست.

چکیده سخن

چکیده سخن

چکیده آن چه بیان شد چنین است:

رسول خدا صلی اللّه علیه وآله از فرا رسیدن وفات و نزدیک شدن رحلت جانگدازش خبر داد و گران بهاترین و پرارزش ترین اشیا (قرآن کریم و عترت و خاندانش) را در میان اُمّت باقی گذارد و این دو یادگار گران بها، ضامن هدایت ابدی امّت خواهند بود که در اثر پیروی و تبعیّت از این دو ثقل، هرگز امّت اسلام به ضلالت نخواهند افتاد.

شاهد بر عدم ضلالت ابدی، به کار بردن حرف «لَنْ» است که بیان گر نفی اَبَد می باشد. این حرف در متون مختلف «حدیث ثقلین» موجود است، آن جا که فرمود:

ما إن تمسّکتم بهما; ما إن أخذتم بهما لن تضلّوا... .

مادامی که به آن تمسّک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

آن گاه پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله امّت را در تنگنای پرسش از این دو قرار داد و تأکید فرمود که کنار حوض کوثر، از شما خواهم پرسید که با این دو چگونه رفتار کرده اید، و آیا حقّ مرا در ارتباط با آن دو رعایت کرده اید یا نه؟

شاید پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله در آن وعده و ملاقات به منصب سقایت آب کوثر توسّط امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره فرموده که

علی علیه السلام منافقان را از نوشیدن آن آب منع خواهد فرمود.

همچنین به نظر می رسد که آن بزرگوار با این فرمایش، به حدیث مشهوری اشاره فرموده که مورد پذیرش شیعه و اهل سنّت است و در صحاح نیز آمده است که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

سیرد عَلَیّ أصحابی وأنّهم یذادون عن الحوض وأقول: یا ربّ! هؤلاء أصحابی، فیقول: إنّک لا تدری ما أحدثوا من بعدک.

به زودی اصحاب من در روز قیامت بر من وارد خواهند شد که آن ها را از حوض می رانند و دور می کنند. من می گویم: پروردگارا! اینان اصحاب من هستند؟

خداوند متعال می فرماید: نمی دانی بعد از تو چه کارهایی انجام دادند.(۱)

۱- صحیح بخاری: ۶ / ۹۶، ۸ / ۱۳۶ و ۱۴۸، ۹ / ۵۸، صحیح مسلم: ۴ / ۱۷۹۳، مسند احمد: ۱ / ۴۵۳، ۳ / ۲۸، ۵ / ۵۰.

بخش چهارم: بررسی اشکال ها و ایرادهای واهی بر حدیث ثقلین

اشکال ها و ایرادها

بخش چهارم

بررسی اشکال ها و ایرادهای واهی بر حدیث ثقلین

اشکال ها و ایرادها

آن گاه که به کتاب های اهل تسنّن مراجعه می کنیم، درمی یابیم که آنان به پنج طریق خواسته اند استدلال های شیعه به «حدیث ثقلین» را باطل کنند. ما اکنون به ذکر آن ها پرداخته و در پایان هر طریق، جواب آن را نیز بیان خواهیم کرد.

تضعیف حدیث

تضعیف حدیث

نخستین طریق، طریق ابوالفرج ابن جوزی است. وی کتابی به نام العِلَل المتناهیه فی الأحادیث الواهیه دارد که در آن، احادیثی را که به خیال خود ضعیف بوده و از نظر سند مخدوش است آورده است. او حدیث ثقلین را از جمله آن احادیث قرار داده است. وی این حدیث شریف را با یک سند نقل کرده و پس از آن در سلسله سند حدیث خدشه نموده است.(۱)

۱- العلل المتناهیه فی الاحادیث الواهیه: ۱ / ۲۶۸، حدیث ۴۳۲.

ما تاکنون غیر از ابن جوزی، فرد دیگری را سراغ نداریم که حدیث ثقلین را از نظر سند تضعیف کند; از این رو جای هیچ گونه شگفتی نیست که تضعیف وی مردود است، به گونه ای که شمار بسیاری از بزرگان و محقّقان اهل تسنّن بعد از ابن جوزی، او را در این کار تخطئه کرده و عملش را مردود دانسته اند.

اکنون فقط به ذکر اسامی معدودی از کسانی که ابن جوزی را به جهت تضعیف سند حدیث ثقلین تخطئه کرده اند اشاره می کنیم:

۱ ــ سبط ابن جوزی ــ نواده دختری او ــ در کتاب تذکره الخواصّ;

۲ ــ حافظ سخاوی در کتاب استجلاب ارتقاء الغرف;

۳ ــ حافظ سَمْهودی در کتاب جواهر العقدین;

۴ ــ ابن حجر مکّی در کتاب الصّواعق المحرقه;

۵ ــ عبدالرّؤوف مَناوی در کتاب فیض القدیر;(۱)

همه اینان گفته اند که ابن جوزی در تضعیف این حدیث خطا کرده است; آن گاه او را در این رفتار تخطئه کرده و دیگران را از پیروی از روش او بر حذر داشته اند، تا جایی که یکی از بزرگان اهل تسنّن

۱- ر.ک استجلاب ارتقاء الغرف: ۸۳، جواهر العقدین: ق ۲، ۱ / ۷۳، الصواعق المحرقه: ۲۳۱.

گوید: «بپرهیز از کاری که ابن جوزی انجام داده فریب بخوری».

افزون بر این که ابوالفرج ابن جوزی شخصی است که در نزد بزرگان اهل تسنّن، به تعصّب و عنادورزی نسبت به حقّ، معروف و مشهور است و همگان نیز متّفقند که این شخص در تضعیف احادیث یا جعلی شمردن آن ها بی پروایی خاصّی داشته است. از این رو تمام آنان، ابن جوزی را در این رفتار تخطئه نموده و دیگران را از پیروی از روش او جدّاً بر حذر داشته اند.

البته ما پیش تر مصادر معتبر «حدیث ثقلین» را ذکر کردیم، و گفتیم که این حدیث در منابع بسیاری آمده است. از جمله افرادی که به صحّت این حدیث اشاره کرده اند می توان به افراد ذیل اشاره کرد:

۱ _ مسلم بن حَجّاج در کتاب صحیح مسلم، که البتّه _ همان طور که بیان شد _ حدیث را ناقص نقل کرده است;

۲ _ تِرمذی در صحیح;

۳ _ ابن خزیمه (که در نزد اهل تسنّن به امام ائمّه حدیث مشهور است) در کتاب صحیح;

۴ _ ابو عَوانه در کتاب المسند;

۵ _ حُمَیدی در کتاب الجمع بین الصّحیحین;

۶ _ رزین بن معاویه عبدری در کتاب تجرید الصّحاح;

۷ ـ حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک؛

۸ ـ ابن اسحاق در کتاب سیره؛

۹ ـ ضیاء مَقْدِسی در کتاب المختاره؛

۱۰ ـ بغوی در مصابیح السّنّه؛

۱۱ ـ محاملی؛

۱۲ ـ ابن النجّار؛

۱۳ ـ نَوَوی؛

۱۴ ـ حافظ مِزّی؛

۱۵ ـ شمس الدّین ذهبی؛

۱۶ ـ ابن کثیر دمشقی؛

۱۷ ـ حافظ هیثمی؛

۱۸ ـ جلال الدّین سیوطی؛

۱۹ ـ شهاب قسطلانی؛

۲۰ ـ ابن حجر مکّی؛

۲۱ ـ عبدالرّؤوف مَنّاوی؛

۲۲ ـ زرقانی مالکی؛

۲۳ ـ ولی اللّه دهلوی.

ص: ۶۰

ناشناخته بودن متن حدیث

ناشناخته بودن متن حدیث

طریق دوم را ابوعبداللّه بُخاری پیموده است. وی به ناشناخته بودن متن حدیث حکم کرده و در کتاب التاریخ الصّغیر(۱) چنین می نویسد:

قال أحمد فی حدیث عبدالملک عن عطیّه عن أبی سعید: قال النبی صلی اللّه علیه وآله: «ترکت فیکم الثقلین».

قال: أحادیث الکوفیین هذه مناکیر.

درباره روایتی که عبدالملک، از عطیّه، از ابی سعید خُدری، از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله نقل شده که فرمود: «من دو چیز گران بها برای شما به جای گذاردم»; احمد بن حنبل می گوید: این گونه احادیث که از کوفیان نقل شده است، از نظر متن منکَر و ناشناخته است.

پاسخ از این اشکال

ما این اشکال را از دو جهت پاسخ می دهیم:

۱. نسبت این کلام ــ یعنی منکَر شمردن «حدیث ثقلین» ــ به احمد بن حنبل دروغ محض است; زیرا که خود احمد این حدیث

ص: ۶۱

۱- التاریخ الصغیر: ۱ / ۳۰۲.

شریف را در کتاب المسند(۱) و نیز در کتاب فضائل الصّحابه، با اسانید بسیاری و از عدّه زیادی از صحابه نقل می کند. پس چگونه ممکن است که شخصی مانند احمد بن حنبل، با این گستردگی حدیث را روایت نماید و در عین حال این حدیث را از جهت متن منکَر وناشناخته بشمارد؟ احمد بن حنبل کجا و چه زمانی این حدیث را انکار کرده است؟

۲ _ آری متن حدیث ثقلین در نزد بُخاری منکر و ناشناخته است; زیرا حدیثی است که بدون هیچ ابهامی بیان گر امامت امیرالمؤمنین و اهل بیتش علیهم السلام می باشد. حدیثی است که بر اعلمیّت، افضلیّت، همتای قرآن بودن، عصمت اهل بیت علیهم السلام و مواردی از این قبیل _ که در حدیث موجود است _ دلالت می نماید.

تحریف حدیث

تحریف حدیث

سومین راهی که برای بی اعتبار کردن «حدیث ثقلین» به کار برده اند، تحریف حدیث شریف است. البتّه تحریف به معنای نقصان; به این معنا که قسمتی از حدیث را که دلالت «حدیث ثقلین» مبتنی بر آن است، حذف کرده و نقل ننموده اند. از کسانی که این راه را پیموده اند

۱- مسند احمد: ۳ / ۱۷ و ۵۹، ۵ / ۱۸۱.

مسلم بن حَجّاج در کتاب صحیح(۱) و خطیب بغدادی در کتاب تاریخ بغداد است.

خطیب بغدادی در کتاب تاریخ می نویسد:

مطیّن، از نصر بن عبدالرحمان، از زید بن حسن، از معروف از ابوطفیل این گونه نقل می کند که حذیفه بن اُسَید گوید: رسول خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

یـا أیّهـا النّـاس! إنّی فرط لکم وأنتم واردون علیّ الحـوض، وإنّی سـائلکم حین تردون علیّ عن الثّقلین، فـانظروا کیف تخلفونی فیهما: الثّقل الأکبر کتاب اللّه، سبب طرفه بید اللّه وطرفه بأیدیکم، فاستمسکوا به ولا تضلّوا ولا تبدّلوا.(۲)

ای مردم! به راستی که من پیش از شـما از دنیا می روم و شما کنار حوض کوثر بر من وارد می شوید، و من هنگام ورودتان از دو گوهر گران بها که در میان شـما به ودیعت گذاشـته بودم خواهم پرسـید. نیک دقّت کنید که چگونه حقّ مرا درباره آن دو رعایت کرده اید؟! یکی از آن دو کتاب خداوند متعال (قرآن کریم)

۱- صحیح مسلم: ۷ / ۱۲۲.

۲- تاریخ بغداد: ۸ / ۴۴۲.

است; ریسمانی که یک طرفش به دست خداوند و طرف دیگرش در دست شماست. به آن تمسّک کنید و گمراه نشوید و آن را دگرگون نسازید.

همان طور که ملاحظه می شود، با این که در صدر حدیث از «ثقلین» نام برده شده; ولی در ذیل آن، از این دو گوهر گران بها، فقط یک مورد آن یعنی «کتاب اللّه» اشاره و از ذکر دیگری خودداری شده است.

جالب این که این حدیث، با همین سندی که خطیب در کتابش آورده است، بدون کوچکترین تفاوتی در تمامی سند، در سایر مصادر اهل تسنّن موجود است و در ذیل آن، از «ثقل» دیگر نیز نام برده شده است که ما فقط به یک منبع اکتفا می نماییم.

حکیم تِرمذی در نوادر الاصول، حدیث شریف را با همین سند چنین نقل می کند:

... إنّی فرطکم علیّ الحوض وإنّی سائلکم حین تردون علیّ عن الثقلین، فانظروا کیف تخلفونی فیهما: الثقل الأکبر کتاب اللّه، سبب طرفه بید اللّه وطرفه بأیدیکم، فاستمسکوا به ولا تضلّوا ولا تبدّلوا; وعترتی أهل بیتی، فإنّی قد نبّأنی اللّطیف الخبیر أنّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض.(1)

۱- نوادر الاصول: ۱ / ۲۵۸.

... به راستی که من پیش از شما از دنیا می روم و شما کنار حوض کوثر بر من وارد خواهید شد. من هنگام ورودتان از دو گوهر گران بها که میان شما به ودیعت نهاده بودم، خواهم پرسید. نیک دقّت کنید که چگونه حقّ مرا درباره آن دو رعایت کرده اید؟ یکی از آن دو، کتاب خداوند متعال (قرآن کریم) است; ریسمانی که یک طرفش به دست خداوند متعال و طرف دیگرش در دست شماست. پس به آن تمسّک کنید و گمراه نشوید و آن را دگرگون نسازید و دیگری عترتم که اهل بیت من هستند. پس به راستی که خداوند آگاه و داناِی رازها به من خبر داد که این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا این که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

خوانندگان گرامی! داوری کنید و به این دو نقل توجّه نموده و با یکدیگر مقایسه نمایید. آیا خود خطیب بغدادی در حدیث شریف تصرّف کرده است یا ناسخان و یا ناشران؟ خداوند داناتر است.

البتّه ذکر جمیع مواردِ تحریف نیاز به مجالی وسیع تر و تألیف جداگانه ای است.

ص: ۶۵

معارضه با احادیث دیگر

معارضه با احادیث دیگر

چهارمین راهی که اهل سنّت برای بی اعتبار کردن «حدیث ثقلین» به کار گرفته اند، معارضه است; معارضه با احادیثی که خود در کتاب هایشان روایت می کنند.

البتّه از اعتبار افتادن حدیثی در اثر وجود معارضی که از نظر سند و دلالت، همتا و همسنگ با آن حدیث باشد امری مطابق قاعده و صناعت بوده و مورد قبول همه محقّقین است; ولی _ همچنان که پیش تر اشاره شد _ می گوییم: معارضه، فرع حجیّت است. به این معنا که دو حدیث متعارض، از نظر سند و دلالت باید تمام باشند و حجیّت هر یک مسلّم باشد تا نوبت به معارضه برسد در نتیجه یکی درست و دیگری نادرست باشد. وگرنه اگر یکی از احادیث نسبت به دیگری ترجیح داشته باشد، و اگر یکی از احادیث صحیح باشد و دیگری غیر صحیح باشد، نوبت به معارضه نخواهد رسید.

اکنون می پرسیم حدیث ثقلین یا همان حدیث وصیّت به قرآن و اهل بیت علیهم السلام با کدام حدیثی در تعارض است؟

مهم ترین حدیثی که به عنوان معارض برای حدیث ثقلین مطرح شده است، دو حدیث است:

۱ _ حدیث اقتدا به شیخین;

ص: ۶۶

۲ ـ حدیث ثقلینی که در آن به جای کلمه «عترت و اهل بیت»، کلمه «سنّت» آمده است.

حدیث نخست را از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله نقل می کنند که آن حضرت فرمود:

اقتدوا باللّذین من بعدی; أبی بکر وعمر.(۱)

به دو نفری که پس از من هستند اقتدا کنید; ابوبکر و عمر.

این حدیث در برخی از منابع اهل تسنّن نقل شده است. آنان این گونه مدّعی هستند که این حدیث بر وجوب اقتدا به شیخین دلالت می کند، و «حدیث ثقلین» نیز بر وجوب تمسّک به قرآن و عترت; پس ناگزیر بین این دو حدیث تعارض برقرار است.

ما در پاسخ این ایراد به نقد و بررسی این حدیث پرداخته و گفتار جداگانه ای را نوشته ایم.(۲)

خلاصه بررسی ما پیرامون حدیث اقتدا به شیخین، ضعف سندی آن است که بزرگان جرح و تعدیل و عالمان مورد قبول اهل سنّت به ضعیف بودن تمامی راویان آن و به مجعول و دروغ بودن این حدیث

۱- مسند احمد: ۵ / ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۹۹ و ۴۰۳.

۲- این نوشتار طی سلسله پژوهش های اعتقادی، از همین نگارنده و با نام «حدیث اقتداء به شیخین در ترازوی نقد» چاپ شده است.

تصریح نموده اند.(۱)

امّا درباره حدیث ثقلینی که به جای کلمه «عترت»، «سنّت» به کار برده شده باشد،(۲)ما پژوهشی جداگانه انجام داده ایم که خوانندگان گرامی می توانند به آن پژوهش مراجعه نمایند.(۳)

تکذیب حدیث

تکذیب حدیث

بعد از ابطال چهار طریق گذشته، تنها راهی که برای بی اعتبار نمودن «حدیث ثقلین» باقی مانده است، طریق شیخ الاسلام!! اهل سنّت، جناب ابن تیمیّه است.

ابن تیمیّه می گوید: این حدیث (حدیث ثقلین) دروغ است!(۴)

ص: ۶۸

۱- برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به: فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر: ۲ / ۵۶، صحیح تِرمذی: ۵ / ۵۷۲، کتاب الضعفاء الکبیر: ۴ / ۹۵، میزان الاعتدال: ۱ / ۱۰۵، ۱۴۱، ۱۴۲، لسان المیزان: ۱ / ۱۸۸، ۲۷۲ و ۵ / ۲۳۷، شرح المنهاج عبری فرغانی: مخطوط، تلخیص المستدرک: ۳ / ۷۵، مجمع الزّوائد: ۹ / ۵۳، الدّرّ النّضید من مجموعه الحفید: ۹۷، اسنی المطالب فی احادیث مختلفه المراتب: ۴۸، الفِصَل فی الملل والنحل: ۴ / ۸۸ .

۲- کنز العمّال: ۱ / ۱۷۲.

۳-این نوشتار نیز به عنوان ششمین اثر در سلسله پژوهش های اعتقادی و با نام «دستبردی در حدیث ثقلین» چاپ شده است.

۴- منهاج السنّه النبویّه: ۷ / ۳۱۹.

چه راه آسان و خوبی!

چرا اهل تسنّن از این راه با همه سهولتی که دارد غافل بوده اند؟

چرا با وجود چنین راهی، خود را در ایجاد تحریف در این حدیث به زحمت انداخته اند تا موجبات بدنامی و خیانت را برای خودشان فراهم کنند؟

چرا «حدیث ثقلین» را طرف معارضه با عبارتی موهوم و ساختگی به نام «حدیث اقتدا به شیخین» قرار داده اند؟

چرا ابن جوزی خود را در تضعیف رجال سند «حدیث ثقلین» به زحمت می اندازد تا بزرگان طائفه او را ردّ کرده و تخطئه کنند؟

پس بهترین راه آن است که حدیث ثقلین را تصدیق نکنند و ادّعا شود که سند معتبری برای گفتار پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله نیست، آن جا که فرمود:

... وعترتی أهل بیتی ما إن تمسّکتم بهما لن تضلّوا.

... و خاندان و اهل بیتم، مادامی که به آن دو تمسّک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

چرا شیعه این قدر بر این حدیث پافشاری دارد و امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام را به واسطه آن اثبات می کند؟

آری، شیوه ابن تیمیّه یا همان شیخ الاسلام آنان! همواره در

قبـال احادیث امامت امیرالمؤمنین علیه السـلام و مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السـلام این گونه بوده و میان ابن تیمیّه و امثال او، و میان اهل بیت پیامبر علیهم السلام خداوند متعال خوب داوری است، و او بهترین داوران است.

ص: ۷۰

کتاب نامه

«الف»

۱. قرآن کریم.

۲. احیاء المیت بفضائل أهل البیت: جلال الدین سیوطی، دار الثقلین، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۳. أُسد الغابه: ابوالحسن علی بن محمّد شیبانی معروف به ابن الاثیر، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان.

۴. أسنی المطالب فی أحادیث مختلفه المراتب: ابن درویش الحوت، مکتبه التجاریه الکبری، مصر، چاپ اول، سال ۱۳۵۵.

۵. الإصابه: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۶. امالی المحاملی: حسین بن اسماعیل محاملی، دار ابن القیّم، اردن.

«ب»

۷. البدایه والنهایه: حافظ ابی الفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی، دار احیاء التراث العربی ومؤسسه التاریخ العربی، بیروت، لبنان.

ص: ۷۳

«ت»

۸. التاریخ الصغیر: ابوعبداللّه محمّد بن اسماعیل بخاری، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

۹. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۷.

۱۰. تفسیر الخازن: علاء الدین خازن بغدادی، قاهره، مصر، سال ۱۳۲۹.

۱۱. التفسیر الکبیر: فخر رازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.

۱۲. تلخیص المستدرک: ذهبی، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

«ج»

۱۳. جامع الأُصول: مبارک بن محمّد شیبانی معروف به ابن الاثیر، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۷.

۱۴. الجامع الصغیر: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۰.

«د»

۱۵. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۲۱.

۱۶. الدّرّ النّضید من مجموعه الحفید: هروی شافعی، مطبعه التقدّم، مصر، چاپ اول، سال ۱۳۲۲.

«س»

۱۷. سمط النّجوم العوالی: عبدالملک عصامی مکّی.

۱۸. سنن الدارمی: دارمی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان.

۱۹. السیره الحلبیّه: علی بن برهان الدین حلبی، مکتبه التجاریه الکبری، قاهره، مصر، سال ۱۳۸۲.

«ش»

۲۰. شرح المنهاج: عبری فرقانی، مخطوط، کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی به شماره ۲۷۷۸.

۲۱. شرح المواهب اللدنیّه: قسطلانی، دار المعرفه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۲۲. شواهد التنزیل: حافظ عبیداللّه بن احمد، معروف به حاکم حسکانی، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

«ص»

۲۳. الصحاح: اسماعیل بن حمّاد جوهری، دار العلم ملایین، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۳۷۶.

ص: ۷۵

۲۴. صحیح بُخاری: ابوعبداللّه محمّد بن اسماعیل بُخاری، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، یمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴.

۲۵. سنن تِرمذی: محمّد بن عیسی ترمذی، دار الفکر، بیروت.

۲۶. صحیح مسلم: مسلم بن حجّاج قشیری نیشابوری، مؤسسه عز الدین، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۷.

۲۷. الصواعق المحرقه: ابن حجر هیتمی مکّی، مکتبه القاهره، قاهره، مصر.

«ط»

۲۸. الطبقات الکبری: ابن سعد، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۸.

«ع»

۲۹. العلل المتناهیّه فی الاحادیث الواهیّه: ابن جوزی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۰۳.

«ف»

۳۰. الفتاوی الفقهیّه: ابن حجر مکی هیتمی.

۳۱. الفصل فی الأهواء والملل والنحل: ابن حزم اندلسی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

۳۲. فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر: مَناوی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

«ق»

۳۳. القاموس المحیط: فیروزآبادی، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۲.

«ک»

۳۴. کتاب السنّه: ابن ابی عاصم.

۳۵. کتاب الضعفاء الکبیر: عقیلی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان.

۳۶. کشف الاستار عن زوائد البزّار: حافظ هیثمی.

۳۷. کنز العُمّال: متّقی هندی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۹.

«ل»

۳۸. لسان العرب: ابن منظور افریقی، بیروت، لبنان.

۳۹. لسان المیزان: ابن حجر، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

ص: ۷۷

۴۰. مجمع الزوائد و منبع الفوائد: هیثمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۴۱. مرقاه المفاتیح: ملاّ علی قاری هروی، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان.

۴۲. المستدرک علی الصحیحین: حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

۴۳. المسند: اسحاق بن راهویه.

۴۴. المسند: حافظ ابو یعلی احمد بن علی تمیمی موصلی، دار المأمون للتراث، دمشق.

۴۵. مسند احمد: احمد بن حنبل شیبانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

۴۶. مصابیح السنّه: بغوی، دار المعرفه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۰۷.

۴۷. المصنّف: ابن ابی شیبه، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۴۸. المطالب العالیه: ابن حجر عسقلانی، دار المعرفه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

ص: ۷۸

۴۹. المعجم الکبیر: سلیمان بن احمد لخمی طبرانی، دار احیاء التراث، چاپ دوم، سال ۱۴۰۴.

۵۰. منتخب مسند عبد بن حمید: عبد بن حمید بن نصر کِسّی.

۵۱. منهاج السّنه النبویّه: ابن تیمیّه حرّانی، مکتبه ابن تیمیّه، قاهره، مصر، چاپ دوم، سال ۱۴۰۹.

۵۲. میزان الإعتدال: ذهبی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

«ن»

۵۳. نوادر الاصول: ابوعبداللّه محمّد بن علی حکیم ترمذی، دار نور اسلامی، بیروت.

(A Glance on Narration of Two Great Things (Hadith (۱۰)

ص: ۸۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹